

هنر، در مریوان ابزاری همسو با نافرمانی های مدنی بود که، حمله‌ای را هدایت و رهبری کرد.  
(قبل از قیام و سال های 57 ، 58 و 59 )



مریوان: شهری کوچک با پیامی پر شکوه و جاویدان!



رشاد - مصطفی سلطانی سوید فوریه 2914 میلادی ( اسفند ماه 1392 )

حقیقتاً لازم است، اسامی همه‌ی انقلابیون و پیشمرگان جانباخته که، بر علیه نظام های توتالیتر اسلامی و شاهنشاهی مبارزه کرده‌اند ، در خیابان ها و شهر های کردستان روی ستون های یادبود نوشته شوندو از زحمات آنها قدردانی گردد. این یک وظیفه تاریخی است . موقعیت جغرافیائی مریوان در منطقه‌ای جنگلی کردستان شرقی واقع شده و ، پادگانی نظامی چون افعی در کنار شهر و در خدمت اشغال و توسعه شبکه‌های جاسوسی بر علیه مردم کردستان چمبر زده است . از اطراف و اکناف جمعیت زیادی به مریوان کوچ کرده و محلاتی بنامهای همورامی ها، لیلخی ها، سرشیویها و کوماسی ها را تشکیل داده‌اند . اکثریت شهروندان به دیالکت سورانی صحبت می کنند . در نزدیکی شهر دریاچه زیبائی بنام زریوار ( زریبار \* ) قرار گرفته ، که آب آن از چشمه‌های جوشان درون دریاچه تامین می گردد . آبش شیرین و حکومت اسلامی علیرغم جاذبه های توریستی و جهانگردی، استانداردهای محیط زیست را ، در مورد این دریاچه استثنائی مطلقاً رعایت نکرده و با منحرف کردن رودخانه‌ای به درون دریاچه ، تعادل زیستی و بیولوژیکی

جانوران و گیاهانی که در ارتباط مستقیم با دریاچه بوده‌بخطر انداخته است . ضابطه های زیست محیطی و پدیده‌های اکولوژی و اکوسیستم این دریاچه بشیوه مدرن و علمی بکار گرفته نشده و حتی پی هاش \* دریاچه بعنوان فاکتوری حساس و تعیین کننده بطور تاسف باری دگرگون شده است . اگر چاره‌ای اساسی برای نجات دریاچه تدارک دیده نشود ، بیگمان دریاچه زیروار را فقط در آرشیو نقشه‌های جغرافیائی خواهیم دید .

تحولات اجتماعی مریوان جریان چپ و سیکولا ر در مریوان سابقه‌ای درخشان و مملو از حماسه دارد . پیشروان و خصوصاً طیف آموزگاران در سطوح شهر و روستا ( دبستان ، راهنمایی و دبیرستان ) نقش پیشتاز و انقلابی در تحولات مریوان داشتند . این طیف هرگز به تحجر و تفکرات مذهبی میدانی نداد تا مجدداً افکار و مغز توده‌های ستم‌دیده را شستشو داده و بعنوان دنباله رو افکار اسلام سیاسی درآیند . معلمان توانستند بیشترین نیرو را بر علیه سیستم شاهنشاهی و سپس فاشیزم اسلامی به میدان آورده و تحولات عظیمی را در مریوان ببار آورده که در سطح جهان منعکس گشت . هر انقلابی در مریوان توانائی روشن کردن شمعی را در آن تاریکی داشت . هم چنین تشکل ها دمکراتیک از قبیل شورای شهر ، اتحادیه دهقانان ، جمعیت دفاع از خلق کرد ، کانون محصلین ، اتحادیه زنان ، کانون کارمندان و دانشجویان ؛ محصول مبارزات مردم شریف مریوان و رهبری داهیه‌سیمی تابناک کومه‌له و نافرمانی های مدنی بود .

### **نافرمانی های مدنی در جوار مبارزات پیشمرگان !**

نا فرمانی های مدنی در مریوان ارزش های مدرن و ارزشهای دمکراتیک را پاسداری میکرد . مبارزات مردم مریوان نقش آینه را داشته که اوضاع گذشته را بازتاب میسازد . نیروی مسلح کومه‌له تحت عنوان " یه‌کیتی جووتیاران " بدون توهم و مصمم به کار سیاسی- نظامی و آگاه گری تهیدستان شهری و روستائی پرداخت . آنها معتقد بودند که جامعه بشری نمیتواند اسیر و دنباله رو فرهنگ بیابانی و منحطی باشد که جمهوری اسلامی بشارت دهنده آن بود . انعکاس این تصمیم حکیمانه مرزهای کردستان را در نوردید . همزمان بعضی عناصر روشنفکر با اتوپی های شاعرانه و تفکرات ناپایدار این اقدام را " ماجراجوئی " نام نهادند ، که در جریان محاصره کردستان ، جنگ های تحمیلی و اعدام های گسترده از کردار و مواضع خویش پشیمان شده و سپس به تشکیلات کومه‌له پیوسته و همسو شدند . در جوار کار آگاه‌گرانه و بعضاً نظامی و خلع سلاح پاسگاه‌ها و دفاع از عدالت خواهی مردم و مقابله با مکتب قرآن و گروه ترورش که ابزار ی در خدمت سپاه پاسداران بود ، توده‌های مردم را با بند و بست های فاشیزم اسلامی با ارتجاع منطقه ، مکتب قرآن ، مالکین و شیوخ کهنه ساواکی آشنا میکردند . مردم نا فرمانی های مدنی راکه شکل موفقی از مبارزه بود و دستاورد بزرگی داشت ، بعنوان ابزاری انتخاب کرده بودند . کوچ مردم مریوان سبب مقاومت منفی و یک حادثه باشکوه و عظیم تاریخی بوده و ، نهضتی عمیقاً دمکراتیک و مترقی بود که چهره کریه جمهوری اسلامی رابه دنیا نشان داد .

پروسه شکوفائی و جایگاه اجتماعی هنر!

هنر ارزنده ترین ثروتی است که ارزش های معنوی توده‌های فقیر را پاسداری میکند . راه کارگر ، سازمان چریک های فدائی ، حزب دمکرات ، سازمان پیکار ، رزمندگان ، اتحادیه کمونیست ها و کومه‌له تشکیلاتها و جریان های سیاسی در مریوان بودند ، که خصوصاً کومه‌له تشکلی فعال و ابتکار تحولات و رهبری شهر را کاملاً در دست داشت . در مریوان اگرچه از آمفی تئاتر های مدرن به سبک یونان و ایتالیا خبری نبود و بجایش پادگانی مصرف کننده و پارازیت ، دسترنج مردم را می بلعید ، با اینوصف هنر جایگاه ویژه و بالنده یافته و آینه نافرمانی های مدنی گردید . همانطور در عکس تاریخی اول مقاله پیداست ، این ابزار بوسیله یه‌کیتی جووتیاران حدادی و رهبری می گردید و به تاریخ ملت کرد پیوست .

## پیام های هنر انقلابی و بالنده !

دریاچه قو، با موسیقی چایکوفسکی و، باله‌ی دسته سرخ زنان که اثری باشکوه از مبارزات مردم چین بوده و مائوتسه تونگ انرا تدوین کرده، تئاتر ایبسن آشوبگرا و تئاترهای انتوان چخوف؛ پیام های اومانیستی و انسان دوستانه به تماشاچی منتقل می کنند. هوشی مین گفته: پیشینیان شعر در باره‌ی زیبایی های طبیعت مانند کوه و رود، گلها، ماه و مه، برف و باران می سروده‌اند. امروز باید اشعاری از آهن و پولاد ساخت و هنرمند نیز باید بتواند حمله‌ای را رهبری نماید. آقای داریو فو\* اهل ایتالیا و برنده‌ی جایزه نوبیل ادبیات در سال 1997 میلادی گفته: نمایشنامه‌ای که همه‌ی تار و پودش زبان کردی بوده در یونان ترجمه و بروی صحنه آمد و حمله‌ای را بر علیه نا برابری های اجتماعی رهبری میکرد، محتوای غنی و پر باری داشته و شاید ملت کرد اساساً از آن اطلاعی ندارد.

## DARIO FO\*

هنر انقلابی در مریوان، از کانال بر گزارى تئاتر، نمایشنامه، شعر خوانی، نمایشگاه عکس از شرایط زندگی در اردوگاه کانی میران، عکس پیشمرگان در سنگر های دفاعی، نمایشگاه عکس از زندگی مردم عادی همه و همه که با پیام های تاریخی ارزنده همراه بودند، می گذشت. و همزمان پیام ها را به بیننده، شنونده و خواننده منتقل می کردند. پیامهای هنر انقلابی: رفع ستم ملی، حقوق شهروندی، برچیدن اشغال نظامی کردستان، اداره ی شهر و روستاها بدست مردم انقلابی و افرادخوشنام کرد زبان، افشاگری در زمینه نقش ابزاری فریب خوردگان کرد که اسلام سیاسی آنها را در تجمعهای تشکل داده بود، که در بیانی خام و روشن خطاب به مردم گفته و بازگو می شد. علیرغم سرکوب خونین مبارزات مردم در سایر نقاط ایران، اما هنر مدرن در مریوان، افق و جایگاه ویژه ای داشت و حقیقتاً هنر انقلابی در مریوان حمله ای را بر علیه اسلام سیاسی رهبری کرد و تا اشغال نظامی مریوان به نبرد خویش ادامه داده و بدون اغراق دستاوردهائی را در تاریخ ثبت نمود! هنر انقلابی در مریوان که اکثرأ سال های 57 و 58 و 59 منظور است، به فعالیت های هنریش ادامه داد، با اشغال نظامی کردستان و حملات اسلام سیاسی، دوران افول و غروب تشکل های هنری فراهم گشت و یکی پس از دیگری برچیده شدند. چهره‌ی منفور و مرتجع اسلام سیاسی در مریوان، مصطفی چمران بود که هرگز جرئت نکرد از پادگان خارج شود و، وارد شهر مریوان گردد. چمران ارتباط های پنهانی را بایکی از شیوخ مریوان برقرار کرده و این شیخ برای ورودش به شهر مریوان؛ زمینه های لازم را آماده و مهیا نمود.

## هنر خطاطی و نقاشی !

نقاشان مریوان، سوژه‌های گوناگون اجتماعی انتخاب کرده و با سلاح قلم پیشمرگان " فرهنگی " جامعه کردستان بودند. نقاشان اکثرأ درد ها را تشخیص داده و با مهارت خاصی آنرا در تابلوهایشان منعکس کرده‌اند. برادران غزلی آقایان: کمال، جمال و جمیل در زمینه‌ی هنر نقاشی صاحب ستایل خویش بوده؛ مبتکرو خلاق تابلوهای گویا و مدرن بودند و و نقاشی هائی جالبی به جامعه عرصه کردند. در همین راستا کاک جمال غزلی در جوار علاقه‌اش، در آموزش و پرورش استخدام گردید و تدریس اختصاصی ایشان؛ هنر نقاشی در مدارس بود. مرحوم شیخ معروف حسنی نقاش چیره دست و هنر نقاشی را با خطاطی در هم آمیخته بود و آثار جاویدانی از او بجا مانده و در زمینه‌ی طنزهای اجتماعی توانا بود. یکی از شعرهایش که به شیوه طنز سروده شده بود قشر آخوند و ملاها، چاپلوسان، درپوزگان دربار و، افراد بومی و منفور حکومتی ساکن مریوان را بباد تمسخر و استهزا گرفته بود و استقبال شایانی از آن گردید. رفیق

عارف نادری ، که تحصیلاتش را در دانشگاه تبریز پایان رسانده، در زمینه نقاشی ، آثاری زیبایی خلق کرده که جملگی در بستر هنر رئالیستی تداعی و ترجمه میشوند. کاک عارف با ابتکار های خاصی تابلو های زیبا و جالبی را در چاپخانه‌ی بلوار ، و در چاپخانه‌ای در نزدیک خیابان باوه رشید و در منازل شخصی روی دیوار کشیدند . رفیق غلام قاسم نژاد پیشمرگ اسبق کومه نقاش چیره‌دستی بود ، که همزمان با کار روتینش در کتابخانه، کارهای هنریش را یعنی تابلو نویسی و خطاطی را در مغازه‌اش ادامه میداد . کاک غلام چندتابلوی نفیس را که نابرابری هائی اجتماعی را بطور آشکار نشان میداد ، بر دیوار مغازه‌اش کوبیده بود ، تابلوی اول انسان فقیری را باکوله باری سنگین نشان میداد ، که ظلم و بیداد اجتماعی کمرش را خم کرده بود . تابلوی دوم یکی از محروم ترین شهروند مریوانی را بنام " حسین شیت " ( حسین دیوانه ) نشان میداد ، که بیرحمی جامعه او را بحاشیه رانده و زندگی را بر او تلخ تر از تلخ کرده بود . حسین در این تابلو سرش را بر روی یک قوطی خالی گذاشته و در خیابان خوابش برده بود . حسین شیت ، اکثراً تمام اشغال های خیابان و سر راهش را جمع کرده و به زباله دانی میریخت و غیره مستقیم به پاکیزگی و محیط زیست مریوان کمک های بلاعوض میکرد. تابلوی سوم بنام " حسرت"

بود که کودکی همراه سگش ، جلو مغازه قصابی با حسرت نظاره گر گوشت های آویزان دکان قصابی بودند . تا بلوی چهارم بنام " وابستگی " که بیانگر پیوند های ملا مصطفی بارزانی با ایران بود و در آن چرخ دنده‌های بزرگ ، دوازده چرخ دنده کوچک که نمود 12 اصل انقلاب شاه بود ، جامانه‌های سرخ رنگ که پیشمرگان بارزانی بر سر می نهادند، بصورت چرخ دنده در آورده و در تابلو برجسته شده بودند. ارگان پاراستن \* شعبه‌ای در منزل کاک دینه داشتند ، کاک غلام را اسیر و مورد بازخواست قرار دادند . تابلوی پنجم بنام " شفای مریوان " که در زمینه‌ای سیاه با شمایل جوانمردهای ژاندار مری و همزمان با جشن های 2500 ساله شاهنشاهی که تمام انرژی برق مریوان را برای چراخانه اختصاص داده بودند کشیده بود . یک عدد چراغ انگلیسی نیز بر تابلو آویزان کرده بود . این تابلو کمبود برق و تاریکی شهر را برجسته کرده بود. تابلو های کاک غلام مملو از پیام های انسانی بوده و بیداد اجتماعی را منعکس می ساختند . جانبخته ناصر مصطفی سلطانی ، به نقاشی علاقه وافری داشت و در همین زمینه تابلوهای جالب و ارزنده‌ای با الهام از سوزدهای تظاد طبقاتی و ستم ملی، کشید که در تلاطم هاو کوچ های ناخواسته خانوادگی بر باد فنا رفتند. فرمانده سیاسی - نظامی پیشمرگان حزب دمکرات جانبخته منصور فتاحی ( رهشه ههورامی ) زندگی توده‌های محروم و فقیر رادر کوهستانها و جویبار های کردستان، بگونه‌ای ماهرانه در تابلوهایش ، نقاشی کرده بود در این راستا موفق بود . پیشمرگ اسبق کومه رفیق منصور صدقی علاقه زیادی به نقاشی و خطاطی داشت و در جریان مبارزات مردم کردستان بر علیه جمهوری اسلامی توان و انرژی خویش را در خدمت جنبش و سپس انتشارات کومه‌له گذاشته بود . جانبخته طهمورث اکبری طراح و نقاش یکی از چهره‌های بسیار فعال کانون محصلین مریوان بود و در زمینه‌ی خطاطی و نقاشی مهارتی عالی داشته و، با نواختن دف و ضرب ، ریتم و موسیقی بعضی از تئاتر ها را هماهنگ میکرد . برای یادآوری دانشجویان شانزدهم آذر سال 1332 ، که توسط حکومت شا کشته شده بودند کلیشه‌هائی تعبیه و درست کرد ، و عکس این سه دانشجو را تقریباً بر روی دیوار های مناسب شهر مریوان کلیشه نمود . و این شیوه از افشاگری و فعالیت هنری اولین باری بود که در شهر مریوان توسط کاک طهمورث قدم به عرصه وجود نهاد . در زمینه‌های هنر معماری، مجسمه سازی، کنده کاری ، آواز و سرودهای انقلابی، تئاتر سیار ( خیابانی ) و فیس‌توال موسیقی نیاز به پژوهش دیگری است .

**هنر نمایشنامه در زمانی کوتاه با محتوای عظیم !**

قبل از قیام نمایشنامه‌ها، اغلب شیوه‌ی نقالی داشتند و در چایخانه‌ی همه حسن، داستان‌های شاهنامه نقالی می‌گردید. اما در نوروز سال 58 مهمانان نوروزی به چایخانه رفته و نقال، نوروز را یکی از کهن‌ترین اعیاد و جشن‌های کردها معرفی کرده و در بیانانش اعتماد کافی بخود داشت وستم ملی را بصورت نه چندان پوشیده ابراز کرد که، برای بعضی از مهمانان خوش آیند نبود. زمینه‌های برگزاری تئاتر را برای اولین بار جانباخته علی کهنه‌پوشی و بله قه‌شان فراهم نموده و بگونه‌ای رسمیت دادند. سپس اولین نمایشنامه به کارگردانی سعید اقدسی و ابتکار جانباخته طهمورث اکبری، مجید ابراهیمی، تیمور مصطفی سلطانی، ثریا منصوری، محمد نسیمی، غلام قاسم نژاد (دکور و گریم) بنام "مازیار" که اثری از صادق هدایت بود، در سالن شیر و خورشیدبر روی صحنه آمد. در گرماگرم قیام و تابستان 57 نمایشنامه‌ها رنگ و بوی اجتماعی بخود گرفتند و بصورتی خام به تضاد طبقاتی می‌پرداختند. دومین نمایشنامه که قهرمان اصلیش کارگری است بنام لاله مینه (جانباخته حسین صالح زاده) با شرکت ارسلان عزیزی، رزگار شیخ‌الاسلامی و الف-عین روی صحنه آمد. در این نمایشنامه تقریباً بیست کارگر در صحنه بوده و همانجا سندیکائی تشکیل داده و، از حقوق کارگران دفاع می‌نمایند. سومین نمایشنامه، تئاتری رئالیستی است، که نقش شاه را به شیوه‌ای موفقیت آمیز حسین صالح زاده، بازی می‌نماید و روی صحنه آمد، در این نمایشنامه بی پروا از تفکرات سیکولار و چپ، جانبداری می‌گردید. چهارمین نمایشنامه "جنایت‌های جمهوری اسلامی در کردستان" نام داشت که در سالن شیر و خورشید سرخ اجرا گردید. شاید سخنی به اغراق نرفته باشد اگر ادعا شود که از موفق‌ترین نمایشنامه‌ها بود که خاطرات و شخصیت سیاسی 9 انقلابی جانباخته که در پادگان اعدام شده بودند بازگو می‌گردید و در فورمی تراژدی و ساتیر \* بر روی صحنه آمد. این نمایشنامه توسط جانباخته همه جوان و جانباخته رزگار شیخ‌الاسلامی نوشته شده بود که؛ هر دو هم بند با دستگیر شدگان پادگان بوده و در ادامه مبارزاتشان شهید گردیدند. حسین ایزدی مسئول نمایشنامه و همزمان معرفی آنرا بعهده گرفته بود. در صحنه‌های نمایش 9 انقلابی را دستبند زده و در کنار هم ردیف کرده بودند و خلخالی با چشمانی از حدقه در آمده به مزدوران مریوانی دستور تیراندازی را صادر کرد و در یک لمحہ قامت بلند و خونین آنها بر سطح زمین می‌افتد. این نمایشنامه در سنج و مریوان روی صحنه آمد و استقبال کم نظیری از آن گردید. الف-قی در نقش قصاب جمهوری اسلامی "خلخالی" و حسین صالح زاده، لام-الف، مسعود فریقی، ری-الف، منیره اکبری، الف-عین و پی، الف در نقش‌های گوناگون بازی کردند. در این نمایشنامه نقش و سیمای کریه و منفور نمایندگان رژیم اسلامی، فریب خوردگان بومی و دسیسه‌های مکتب قرآن در تیرباران‌های سنج و مریوان، بشیوه‌ای هنرمندانه فاش گردید. دختران شرکت کننده در نمایشنامه بهجت خالدی و گولنار قبادی بودند که با جسارت عالی نقش‌های ارزنده‌ای را در طول نمایش ایفا نمودند. میم - الف در نقش احمد فمجه‌قاله، لام - الف در نقش شیخ برا، مختار شیخ‌الاسلامی در نقش دکتر بهمن اخضری و حشمت مصطفی سلطانی در نقش شهید امین بازی کردند. و سازمان چریک‌های فدائی نیز کمک‌های ارزنده و بیدریخی را در این نمایشنامه ارائه دادند. پنجمین نمایشنامه، با الهام و استناد به یک شعر قانع بنام "قانع و گهنم" (ترجمه آن قانع و گندم است) که نقش قانع را عین-خی و نقش گهنم را شکرالله نودینیان بازی کرده و روی صحنه آمد. رفیق ارسلان عزیزی ششمین نمایشنامه را بر اساس نوشته‌ای وزین از جانباخته دکتر فتح الله لطف الله نژادیان، بنام "دکتر و ملا" کارگردانی کرد، که دیالوگی غنی و جذاب بود و روی صحنه آمد. هفتمین نمایشنامه بر اساس شعری از شریف حسین پناهی بنام "ماموستا و فوتابخانه" توسط کاک ارسلان عزیزی کارگردانی شد که بازیگران آن: صاد- دال و ارسلان عزیزی بودند و در این رهگذر کمک‌های بیدریغ مظفر خالدی و محمد نسیمی چشم‌گیر بود. استقبال دانش‌آموزان مدارس مریوان از این دو نمایشنامه که ارسلان عزیزی کارگردانی کرده بود حقیقتاً بی‌نظیر بود و، در آمد فروش بلیط‌هایش، برای خرید کتاب و تاسیس یک کتابخانه معتبر در یکی از مدارس مریوان اختصاص یافت. برای خرید کتاب‌ها

به سنج رفت و جانباخته محمد مرادی که با سازمان پیکار همکاری می نمود و سپس به کومه‌له پیوست و بعنوان پیشمرگ در جنگ خونین دمکرات و کومه‌له و در هورامان جان باخت ، در این زمینه کمک های شایانی نمود . محمد مرادی همراه ارسلان عزیزی به کتابخانه‌ی همه سازمان های سیاسی در سنج از جمله : کومه‌له، چریک ها، پیکار، راه کارگر، اتحادیه‌کمونیسته‌ها، رزمندگان و کتابخانه‌های عمومی سنج رفت و کتاب های مورد نیاز را بررسی نموده و کتاب بیشماری را خریداری و در اختیار کتابخانه‌ی مدرسه مریوان گذاشتند .

### تئاتر پناهندگان کردستان جنوبی !

بعد از شکست مبارزات کردستان جنوبی ، جمعیت عظیمی از شهروندان کردستان جنوبی و برخی از نیروی پیشمرگ و خانواده‌هایشان به کردستان شرقی و شهر مریوان پناهنده گردیدند . در شهر مریوان تئاتری بنام " کاوه " در سالن شیرو خورشید روی صحنه آوردند که مردم مریوان استقبال باشکوهی از آن کردند . محتوای نمایشنامه تراژدی غم انگیزی بود که با ایما و اشاره توطئه های قدرت های جهانی رادر به شکست کشاندن مبارزانشان را منعکس می نمود . مترجم ها برای روسا و مسئولین فارس زبان ، سخنان بازیگران را ترجمه میکردند . یقیناً اولین باری بود که مردم مریوان، تئاتری را با زبان مادری خویش، شنیده و تماشا میکردند . در سالن نمایش اشک های زیادی از چشمان شهروندان ؛ بخاطر خیانتی که به جنبش کردستان جنوبی شده بود، جاری گردید و اکثر جمعیت تماشاچی را در فضائی از غم و ماتم فرو برده بود .

### سنگر شعر و نثر !

اگرچه شاعران نوپرداز و کلاسیک در مریوان ، تراوشات فکری خویش را به جامعه عرصه میداشتند ، اما از جلسات شعر خوانی استقبال ، پر شوری نگردید . در مجموع اشعار شاعران قبل از قیام ، باز نویسی می گردید و افراد به دوستان مورد اعتماد خویش می دادند . شعر های دیرست گالیا ، توتنهوانیکی ناوچه‌ی سهردهشت و برخی از شعر های ترجمه شده دست بدست می گشت . هنگامیکه هیمن شاعر جمهوری کردستان به مریوان تشریف آوردند ، استقبال از جلسه شعر خوانی این استاد ، در سطح بالائی نبود . اما در سنج به شیوه‌ای بی نظیر از جلسه شعر خوانی استاد هیمن که در سالن ورزشی نزدیک پادگان برگزار گردید استقبال نمودند و ، بنده همراه زنده یاد آقای موسی گرمیانی(مهابادی) و جانباخته علی بهرامی ( زمین شناس و بوکانی ) در آن جلسه شرکت نمودیم . شاعرانی که گاه گذاری تراوشات فکریشان را بر روی کاغذ آورده و پنهانی بدست روشنفکران میرسید ، در بستری از مضمون های ملی ، میهنی، عشقی، طبقاتی و روایت تاریخی سروده و الهام بخش جملگی آنها رنج تهیدستان ، ستم ملی و طبقاتی بود. بهر حال در فضای میلیتاریزم و خفقان ساواک ، شعر بسختی نفس می کشید . نماد شعر خوانی در جریان کوچ تاریخی اهمیت یافت و بعد از ظهر ها، زنده یاد علی کهنه پوشی برای حاضرین شعر می خواند . آقایان مصلح شیخ الاسلامی( ریپوار) ، ملا عمر احمدزاده، شیخ معروف حسنی، فاتح شیخ الاسلامی( پشکو) ، فریدون ارشدی قلم زن میدان شعری بودند . شعر رومانئیک فرشته و گژه با از پشکو - با له سهر ناریزهوه پروانم از ریپوار - داره وهن از ملا عمر نگلی و- شعر ساتیرگونه خوالاماندا له کهر ! از شیخ معروف حسنی سروده و مورد استقبال قرار گرفتند . همزمان " مقاله " ی ستایش و مداحی انقلاب سفید شاه ، بر دآوری های روشنفکران تاثیر ناگوار و تلخی گذاشت و به اعتماد حاضر بهی مهلکی زد .

## نمایشگاه عکس !

این نمایشگاه به ابتکار جانباخته دکتر بهمن اخضری و، رهنمود های کومهله در پارک شهر با عکس های تاریخی از مبارزات مردم قهرمان مریوان ، که شخصاً دکتر بهمن گرفته بود و، عکس های دیگری که اشخاص به امانت تقدیم کرده بودند و عکس های مارش تاریخی آزادیخواهان و انقلابیون سنندجی بطرف مریوان، بر پا گردید . عکس ها گویا تر از هزاران داستان و نامه بودند، مملو از نشیب و فرازهای مبارزاتی و ، خیزش مردم و خصوصاً عکس های اردوگاه کانی میران که نافرمانی های مدنی شهرآزادگان(مریوان ) را مجسم میکرد ، نشان میداد . تاریخ مبارزات مردم قهرمان مریوان در صدها پرده عکس آرشیو شده بود و هر عکس، گویای مبارزات عادلانه و عزم راسخ توده ها بود . ویدئو و فیلم های دکتر بهمن از پیشمرگان ، که شهر ها را از چنگ دشمن در آورده و از آنها استقبال تاریخی گردید ناپدید هستند . فیلم های خام بنده و کاک سعیددر زمینهی استقبال از زندانیان سیاسی، اردوگاه کانی میران، مقر یهکیتی جوتیاران و عکس پیشمرگان همگی در جریان حمله رژیم به کردستان در مغازه عکاسی با خمپاره سوختند و یا در ماشین یکی از آشنایان بسرقت رفت . آیا به گفته های عکاس که خمپاره، عکس ها را سوزانده میتوان باور داشت؟ آیا به گفته های دوستان که عکس ها در ماشین بسرقت رفته ، نباید شک و گمان کرد؟

## هنر انقلابی، در مناطق تحت حاکمیت پیشمرگه !

کومهله این هنر را در مناطق آزاد ، تحت فرمان و حاکمیت پیشمرگ را باز هم ادامه داد . یکی از موفق ترین نمایشنامه های کومهله در مناطق تحت حاکمیتش نمایشنامهی "زحمتکشانشان چه کدار بن !" ( زحمتکشانش مسلح شوید) بود که بار ها اجرا گردید . چهره های درخشان این نمایشنامه رفقا: رزگار علی پناه، جانباخته کیوان مهاجر ( محمد امین ) و حسین علی پناه بودند .



هم چنین نمایشنامه‌ای تحت عنوان " هستان ! " ( بیا خیزید ) در شهر بوکان ، اردوگاهها و روستاها روی صحنه آمد . رفقا ناصر حسامی و خدیج حسن پور نقش های کلیدی نمایش را پذیرفته و اوج قدرت هنری خویش را عرصه نمودند و این نمایشنامه شاهکاری در نوع خویش بود . نمایشنامه‌ای در شهر بوکان بنام " نالای شورش " که توسط ناصر حسامی و ... نوشته شده بود در دبیرستان شهید کمال روی صحنه آمد و سپس در شهر اشنویه نیز روی صحنه رفت . بازیگران موفق و درخشان این نمایشنامه خدیج حسن پور ، ناصر حسامی ، سوعدا مراد بیگی ، اسماعیل یوسفی ، جعفر بابامیری و برهان سنه بودند . هم چنین نمایشنامه ای در روستای ناجی کهند بنام " کاوه‌ی ناسنگر " توسط رزگار علی پنا نوشته شده و روی صحنه رفت . ناصر حسامی ، رزگار علی پناه نقش های کلیدی تئاتر را پذیرفته و شاهکار هنری خویش را عرصه کردند . در روستاها و از جمله روستاهای سلامت ، خورخوره ، زیراندول روی صحنه رفت . کاوه ناسنگر تئاتر ارزشمندی بود که دختران و زنان کومهله : خدیج حسن پور ، گه‌لاویژ رستمی و پرشنگ خرمی در آن با جسارت و اعتماد به نفس ؛ نقش های حساس و موفقی را بازی کردند .

\*\*\*\*\*

با گذشت 36 سال ، نگارش این مطلب مطلقاً کار آسانی نبود ، لذا برای تدقیق مطالب به افرادی مراجعه کرده‌ام . رفقای عالیقدر و گرانمایه : ناصر حسامی ، ارسلان عزیزی ، حسین ایزدی ، پروین امینی ، دلیل رستمی ، خدیجه حسن پور ، غلام قاسم نژاد ، عارف نادری و جمعی از افراد خانواده ؛ اطلاعات جالب و دقیقی را تلفنی در اختیارم گذاشتند لذا از محبت های بیدریغشان نهایت سپاسگذارم . اگر اسامی کسانی ، اطلاعات و مطالب بیشتری که بنحوی از قلم افتاده و یا به ذهن من نرسیده و فراموش شده لطف کنید و انرا اضافه نمایند ؛ تا نواقص این نوشته بر طرف گردد . رجای واثق دارم اگر کمبودی ملاحظه فرمودید ، مرا ببخشید .

روشنگری های لازم :

1- شهروندان منطقه مریوان دریاچه را زیربار می نامند . اما " مولوی کرد " در اشعار دیوانش و حدود سیصد سال پیش ، نام دریاچه را زیریوار ذکر کرده است .

2- ساتیر : اگر نثر ، شعر ، رومان و تراوشات فکری انسان ها ، بصورت طنز به خواننده ، بیننده و شنونده نثار گردد ، ساتیر گفته می شود . عبید زاکانی ( ایران ) سالتیکوف شچدرین ( روسیا ) و عزیز نسین ( ترکیه ) از نویسندگانی هستند که از مقوله ساتیر بگونه‌ای موفق بهره گرفته‌اند .  
پی - هاش H-P

3- اگر بالانس ترکیبات معدنی آب ، به سبب رعایت نکردن فاکتور های حساس محیط زیست از حالت نرمال خارج گردد ، زیست جانوران و گیاهان آبی مختل می گردد که در علم شیمی این پدیده را تغییرات پی - هاش می نامند .

4 - پاراستن ارگان امنیتی جنبش کردستان جنوبی بود ، که منتقدان و مخالفین را در اشکال گوناگون مورد بازخواست قرار می داد .

پایان

2014 02 20